



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامعه‌علوم انسانی

## اسطوره‌شناسی و مطالعات فرهنگی

بین‌رشته‌ای و بین‌فرهنگی

### مقدمه

در فرهنگ فارسی معین، دو معنا برای «اسطوره» ذکر شده که عبارت‌اند از: ۱- «افسانه، قصه» و ۲- «سخن پریشان» (۲۶۷). از معنای اول چنین برمی‌آید که اسطوره دخلی به واقعیت ندارد و معنای دوم حاکی از نابخردانه بودن رویدادهایی است که به‌طور معمول در اسطوره رخ می‌دهند. واضح است که اسطوره به معنای «سخن پریشان» واجد دلالت‌هایی منفی است و این استنباط را القا می‌کند که به اسطوره نباید توجه کرد. باید افزود که این دلالت‌های منفی ایضاً در معادل انگلیسی اسطوره نیز وجود دارند. در زبان انگلیسی، myth هم به معنای داستانی

کهن درباره تاریخ باستان و باورهای مردمان ادوار دور است و هم به معنای پنداشت‌های کاذب. بررسی ریشه‌شناسانه واژه اسطوره شاید تا حدودی بر جنبه‌های ناپیدای این دوگانگی معنایی پرتوافشانی کند. کلمه myth مشتق از واژه یونانی muthos به معنای دهان و سخن گفتن و داستان‌گویی است. از پیوند داشتن مفهوم اسطوره با سنت بیان شفاهی داستان‌چندان نباید تعجب کرد، زیرا در یونان باستان تا حدود سده نهم پیش از میلاد داستان‌ها و اشعاری که گاه نه ادبیات به معنای اخص کلمه (روایتی برآمده از تخیل) بلکه روایت رویدادهای واقعی تاریخ بودند، اساساً از راه بازگویی شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شدند. بدین



شهرتگاه علوم انسانی و معارف اسلامی  
پژوهشگاه ملی علوم انسانی

دکتر حسین ایلدیر

است که شخصیت‌های آن را خدایان و الهگانی یا قهرمانانی تشکیل می‌دهند که به سبب برخورداری از قدرت‌های فوق بشری، قادر به انجام دادن کارهای فراطبیعی‌اند. به همین سبب، انسان در اسطوره غالباً یا از خشم خدایان عذاب می‌کشد، یا مجبور به تحمل مکافات است که جبر سرنوشت برایش رقم زده و یا مقهور اعمال قهرآمیز پهلوانان بی‌مانند است. سومین ویژگی اسطوره این است که نه به یک نویسنده خاص، بلکه به مردمانی معین نسبت داده می‌شود. شعرای بزرگ روزگار باستان در فرهنگ‌های گوناگون (از قبیل هومر و فردوسی) که از راه آثار خویش این اسطوره‌ها را به نسل‌های بعدی انتقال دادند، حکم تدوین‌کنندگان

ترتیب، اسطوره در سنت یونانی می‌توانسته است هم روایتی برگرفته از (یا مرتبط با) حقیقت تاریخی باشد و هم داستانی کاملاً غیرواقعی و سرچشمه‌گرفته از تخیل شاعران و نویسندگان.

در بیان دقیق‌تر معنای اسطوره می‌توان گفت داستانی است با این ویژگی‌ها: نخست اینکه در آن تبیینی از نحوه‌آفرینش کائنات ارائه می‌شود. این تبیین غالباً با خردِ امروزیین منافات دارد و از نظر انسان معاصر آمیخته با خرافات و نادانی جلوه می‌کند. اما اهمیت اسطوره دقیقاً در همین نهفته است که پنداشت‌های انسان‌های روزگار باستان درباره پدیده‌های طبیعی را بر ما آشکار می‌کند. دومین ویژگی اسطوره این

و شرح و بسط دهندگان (و نه دقیقاً خالقان) اسطوره را دارند. چهارمین ویژگی اسطوره این است که به صورت‌های متفاوت و گاه حتی متضاد ثبت شده است. سینه به سینه نقل شدن اسطوره‌ها در گذشته و نیز بعضاً دخل و تصرف نویسندگان در جزئیات اسطوره‌های مختلف را باید از جمله پاسخ‌های این پرسش دانست که چرا گهگاه از یک اسطوره واحد، چندین روایت گوناگون وجود دارد. و سرانجام پنجمین ویژگی اسطوره این است که داستانی منفرد نیست، بلکه حلقه‌ای از زنجیره‌بزرگی از داستان‌های مرتبط است. شخصیت‌های واحد در اسطوره‌های متعدد تکرار می‌شوند و داستان زندگی‌شان ادامه می‌یابد و به این اعتبار می‌توان گفت مجموعه اسطوره‌های هر ملتی، واجد نوعی نظام و هم‌پیوندی درونی است و تصویری منسجم از باورها و ادراک‌های آن ملت ارائه می‌دهد.

## بحث و بررسی

### ۱. یونگ و اسطوره

این ویژگی آخر، زمینه مناسبی برای بحث در خصوص سهم یونگ در اسطوره‌شناسی جدید (و یا استفاده یونگ از اسطوره‌شناسی برای به دست دادن تبیینی روانشناسانه از فرهنگ و سیاست) فراهم می‌آورد. از منظری کلی می‌توان گفت هر نظام اسطوره‌ای، چارچوبی کیهان‌شناسانه و ادراکی برای تبیین پدیده‌های پیرامون انسان است. انسان از دیرباز با برساختن این چارچوب، نه فقط جهان و زندگی را ادراک کرده، بلکه تاریخ را هم معنا بخشیده و گذشته را تفسیر کرده است. اهمیت اسطوره در نزد یونگ دقیقاً در همین ادراک و معنایابی و تفسیر نهفته است. از نظر او، اسطوره مبین شالوده‌فلسفی نگرش‌های فرهنگی است، شالوده‌ای که به آن آگاهانه اشراف نداریم و در واقع در ضمیر ناخودآگاه جمعی ما قرار دارد.

چنانکه می‌دانیم، «ضمیر ناخودآگاه جمعی» از جمله مفاهیمی است که روانشناسی تحلیلی (مکتب یونگ) را از روانکاوی (فرویدیسیم) متمایز می‌کند. فروید دنیای روان را واجد ماهیتی فردی می‌داند. ضمیر ناخودآگاه انبار همه‌هراس‌ها و امیالی است که فرد از اوان طفولیت سرکوب کرده است و لذا محتوای این ضمیر قائم به فرد است. یونگ علاوه بر ناخودآگاه فردی، قائل به لایه عمیق‌تری در ذهن است که مخزن تصاویر ذهنی جهان شمول است. به اعتقاد او، برخلاف ضمیر ناخودآگاه فردی که نتیجه‌رشد روانی فرد در کودکی و نیز پیامد منش فرد در بزرگسالی است، ضمیر ناخودآگاه جمعی از روان فرد نشأت نمی‌گیرد و - به عبارتی - میراثی روانی است که از بلو تولد در ذهن او جای دارد. تصاویر ذهنی جهان شمولی که در این ضمیر ناخودآگاه جمعی جای دارند را یونگ «کهن‌الگو» می‌نامد و اسطوره را نمود آن می‌داند. کهن‌الگوها به رویدادهایی مربوط می‌شوند که در زندگی هر فردی از اهمیتی بنیانی برخوردارند (مانند ازدواج، فرزنددار شدن، مرگ، و از این قبیل) و در حیات روانی فرد به صورت تصاویری از قبیل «همزاد مؤنث» (آنیمای)، «همزاد مذکر» (آنیموس)، «سایه» و «قهرمان» تبلور می‌یابند. کهن‌الگوها با به وجود آوردن احساس و شور، اراده فرد را مقهور می‌کنند و لذا یونگ اعتقاد داشت که فرد ممکن است در رفتار خویش «سرمشقی کهن‌الگویی» در پیش بگیرد. نمونه این «سرمشقی‌های کهن‌الگویی» را در واکنش یا احساس عاشق و معشوق می‌توان دید، که نه برآمده از

رابطه شخصی این دو با یکدیگر، بلکه سرچشمه گرفته از کهن‌الگوی «آنیمای» و «آنیموس» است که زمینه‌بروز آن واکنش یا احساس را در فرد ایجاد می‌کند. سرمشق رفتار یا احساس «عشق ورزیدن» پیشاپیش در ضمیر ناخودآگاه ما وجود دارد و به همین سبب میل به یافتن معشوق یا عاشق به طور طبیعی در هر یک از ابناء بشر بروز می‌کند.

یونگ در کتاب *زرتشت نیچه* اشاره می‌کند که اسطوره حکم «درسنامه» ای را دارد که به جای شرح و تبیین عقلانی، کهن‌الگوها را «مثل یک تصویر یا کتاب داستان» بازنمایی می‌کند (۴۲). به بیان دیگر، اسطوره راهنمای فهم کهن‌الگو است و با بررسی شخصیت‌های اسطوره‌ها در واقع شناخت دقیقی از کهن‌الگوها کسب می‌کنیم. این نکته درخور توجه است که رهیافت یونگ به اسطوره، بدین ترتیب کانون توجه روانکاوان را از جنبه آسیب‌شناسانه روانی شخصیت‌های اسطوره‌ای به جنبه‌ای کاملاً تحلیلی (کشف رمزگان کهن‌الگوها) معطوف کرد. آسیب‌شناسی روانی شخصیت‌های اسطوره‌ای را البته استاد یونگ در روانکاوی باب کرده بود. فروید نظریه روانکاوی را به نحوی بالینی برای کشف محتوای ضمیر ناخودآگاه شخصیت‌های اسطوره‌ها به کار می‌برد و مثلاً در بررسی اسطوره‌آدید، در تبیین علت مخرم‌آمیزی شخصیت اصلی با مادرش نتیجه گرفت که سرکوب غرایز در دوره کودکی باعث شده بود تا آدید حساس‌ترین مرحله رشد روانی‌اش را به سلامت از سر نگذراند و ناخودآگاهانه میل به پدرکشی داشته باشد. پیداست که در رهیافت فروید به اسطوره، کشف امیال ناخودآگاه فرد، هدف اول و آخر تحلیل تلقی می‌شود. حال آنکه یونگ متقابلاً با فردیت‌زدایی و آسیب‌زدایی از شخصیت‌های اسطوره‌ای، دنیای اسطوره را پرتوی روشنی‌بخش بر روان پیشاآگاه جامعه محسوب کرد. از نظر یونگ، شناخت اسطوره‌های ملل گوناگون یعنی شناخت تبلورهای فرهنگی ژرف‌ترین لایه‌های روان همه‌انباء بشر.

### ۲. رمز‌گشایی از یک اسطوره مدرن

یکی از آخرین آثار یونگ که در سال ۱۹۵۷ یعنی چهار سال پیش از مرگ او منتشر گردید، کتابی است به نام *بشقاب پرنده: اسطوره‌های مدرن درباره چیزهایی که در آسمان دیده می‌شوند*. نگارش این کتاب، حاصل هفت سال تحقیق مستمر یونگ درباره جوانب مختلف پدیده «بشقاب پرنده» (UFO) و واکنش‌های اجتماعی و فرهنگی به آن بود. در بدو امر، چه بسا عطف توجه این متفکر بزرگ به موضوعی مانند «بشقاب پرنده» مایه تعجب باشد، اما نباید از نظر دور داشت که این موضوع از اواخر دهه ۱۹۴۰ در غرب (به‌ویژه آمریکا) تب و هیجانی همه‌گیر ایجاد کرده بود. گفتمان مربوط به بشقاب پرنده زمانی ابعاد پیچیده‌تری به خود گرفت که برخی از اشخاص مدعی دیدن بشقاب پرنده همچنین ادعا کردند که سرنشینان این سفینه‌های پیشرفته، آنها را برای مدتی روده و تحت آزمایش‌های علمی و پزشکی قرار داده‌اند. باید افزود که «علاقه» عمومی به موضوع بشقاب پرنده، از آن زمان به بعد همچنان شدت گرفته است و انواع فیلم‌های سینمایی و گزارش‌های روزنامه‌های جنجالی و برنامه‌های تلویزیونی در این باره گواه این مدعاست. پیداست که تبدیل شدن بشقاب پرنده به موضوع مورد توجه عموم و نیز پیدایش انواع روایت‌های حیرت‌آور درباره برخورد با موجودات

سایر سیارات، واجد چنان اهمیت فرهنگی‌ای بود که یونگ - در مقام تحلیل‌گر فرهنگ - نمی‌توانست به آن بی‌اعتنا بماند. در سال ۱۹۵۱، او در نامه‌ای خطاب به یک دوست آمریکایی نوشت: «این پدیده‌ها [انبوه گزارش‌های منعکس شده در مطبوعات در خصوص بشقاب پرنده] مرا به کلی متحیر کرده‌اند چون هنوز نتوانسته‌ام با یقین کافی سردرآورم که آیا کل این قضیه یک شایعه همراه با توهم فردی و عمومی است یا حقیقتی محض» (در وکر ۹۷). ایضا در مقدمه کتاب **بشقاب پرنده: اسطوره‌های مدرن**، یونگ اشاره می‌کند که این پرسش همچنان باقی است که «آیا بشقاب پرنده واقعیت دارد یا حاصل خیال‌پردازی است؟» (۳).

به استدلال یونگ، پاسخ گفتن به این پرسش مستلزم کنکاش در ابعاد ناپیدای روانی موضوع بشقاب پرنده است. او گزارش‌های مدعیان مشاهده بشقاب پرنده را «شایعاتی بر پایه تجلی و تجسم» می‌نامد و توضیح می‌دهد که این قبیل شایعات - برخلاف شایعات معمولی - «ضرورتاً شالوده‌ای عاطفی» دارند و به سخن دیگر از تنش عاطفی نشأت می‌گیرند (۱۳). زمینه شکل‌گیری این تنش را باید در «عقل‌باوری بی‌سروسامانی» دانست که از عصر روشنگری دامنگیر بشر شد، یعنی از زمانی که ایمان آوردن انسان به اصالت تجربه باعث شد تا واقعیت متافیزیکی و غیرمادی به امری موهوم تبدیل شود. پیدایش اسطوره‌های مدرن به نام «بشقاب پرنده» حاکی از تباینی است که انسان زمانه‌ما ناخودآگاهانه بین تقلیل‌گرایی عقلانی و اصالت روح می‌بیند. این اسطوره مبین‌الگوویی جدید در تفکر و شناخت است، الگوویی که به فراخور مقتضیات عصر ما، ماتریالیسم و عرفان را در هم می‌آمیزد تا تنش‌های عاطفی و نیازهای روحی ما را برطرف کند. به همین سبب است که اکثر مردم راغب‌اند که به وجود پدیده‌ای به نام بشقاب پرنده باور داشته باشند. روایت‌های مختلف فرود بشقاب پرنده، اسطوره‌های مدرن برای نیل به رستگاری به وجود آورده است که به سبب ارائه تصویر پرهیبت از فناوری پیشرفته موجودات غیرزمینی، برای انسان برآمده از فرهنگ روشنگری و عقل‌باوری، مقبول جلوه می‌کند. به گفته یونگ، تصور آمدن یک منجی برخوردار از فناوری پیشرفته جهانی دیگر با ساختارهای فکری انسان عصر جدید مطابقت دارد زیرا:

«در وضعیت پرمخاطره دنیای امروز، مردم کم‌کم درمی‌یابند که همه وجوه زندگی در معرض خطر قرار دارد؛ لذا خیالات فرافکنی‌ساز ایشان از حیظه قدرت‌ها و سامان زمینی بالاتر می‌رود و به فضای میان ستارگان می‌رسد، یعنی همان افلاکی که زمانی منزلگاه خدایان - در مقام اربابان سرنوشت آدمی - بود.» (بشقاب پرنده: اسطوره‌های مدرن ۱۴)

در این اسطوره مدرن، انسان معاصر برای التیام گذاشتن بر دردهای روحی خویش، بشقاب پرنده و موجودات غیرزمینی را ناخودآگاهانه تجلی و تجسم فرشتگانی می‌پندارد که از آسمان برای رستگاری او نازل شده‌اند. این اسطوره (که به هزاران شکل در نوع ادبی موسوم به «داستان‌های علمی-تخیلی» بازتاب یافته است)، هم مفردی برای اجتناب از رویارویی با خطر نابودی جهان ارائه می‌دهد و هم اینکه به سبب محاط کردن خود

در اسطوره گسترده‌تری به نام «علم و فناوری» با گرایش عقل‌باورانه انسان سازگار به نظر می‌آید. البته اسطوره‌های باستانی درباره ارتباط موجودات غیرزمینی یا رستگاری در پایان هر چرخه هزار ساله از تاریخ، از دیرباز وجود داشته‌اند. نشانه‌های این اسطوره باستانی ارتباط با دنیای ماورای دنیای مادی را هم در نقاشی‌های حک شده بر صخره‌ها در دوره نوسنگی می‌توان یافت و هم در کتاب‌های مقدس ادیان مختلف. بدین ترتیب، کهن‌الگوی رستگاری که در ضمیر ناخودآگاه همه انسان‌ها وجود دارد، در شکل امروزش به صورت برساخته‌ای فن‌آورانه بروز می‌کند. از آنجا که به قول یونگ «انسان عصر جدید هر موضوعی را که ظاهر آن فن‌آورانه باشد به راحتی می‌پذیرد» (بشقاب پرنده: اسطوره‌های مدرن ۱۶)، در نسخه جدید این اسطوره، مضمون کهن‌الگوی «رستگاری به مدد نیروهای آسمانی» به شکلی سازگار با ذهنیت انسان عصر جدید دوباره جلوه می‌کند.

یونگ در پرتوافشانی بر ابعاد اسطوره‌های موضوع بشقاب پرنده به این نکته توجه می‌کند که بنا به گفته همه کسانی که مدعی مشاهده بشقاب پرنده شده‌اند، شکل ظاهری این پدیده مدور است. یونگ این پرسش را مطرح می‌کند که این شکل هندسی مبین چه دلالت‌های ناخودآگاهانه‌ای می‌تواند باشد. وی در کتاب **فرهنگ روانشناسی تحلیلی** متذکر می‌شود که دایره نماد تمامیت است و حیوت آن در رؤیا و اسطوره و قصه‌های پریان اشارتی به وحدت‌جویی نفس دارد (۱۳۱). از نظر او، مدور بودن شکل ظاهری بشقاب پرنده همتایی برای «ماندالا» یا نماد باستانی تمامیت و کمال است. ماندالا واژه‌ای سانسکریت مرکب از ریشه «ماندا» به معنای «ذات» یا «جوهر» و پسوند «لا» به معنای «ظرف» یا «دربردارنده» است. این واژه همچنین به معنای دایره است و نماد کمال و ارتباط تلقی می‌شود. ماندالا نموداری هندسی به شکل یک دایره است که سایر اشکال هندسی را در خود محاط کرده و به خواب دیده شدن آن، از نظر یونگ مبین از هم‌گسیختگی و نیاز به یکپارچگی و تمامیت است. نمونه‌های ماندالا را در دو شکل زیر می‌توان دید:





تاریخ جهان، اثر هرنستلر، ترجمه سید علی حسینی، انتشارات نگاه، ۱۳۸۵

## پیشینه‌های فلسفی و مطالعات فرهنگی

انه‌نام را رفع کند، بیشتر شده بود، این نیاز را کهن‌الگوی نفس در ناخودآگاه جمعی ما می‌تواند به نحو مقتضی پاسخ گوید، کهن‌الگوی که نماد تمام عیارش ماندالا و شکل منور بشقاب پرنده در آسمان است. به این ترتیب، گفتمان بشقاب پرنده حاصل فرافکنی هراس‌ها و نیازها و امیدهای انسان‌هایی است که در گریز از گسختگی زندگی در عصر جدید، خدایان و الهگان و قهرمانان اسطوره‌های کهن را در هیئت موجوداتی از اقلیم‌های ناشناخته در فرهنگ خویش بازآفرینی می‌کنند تا شاید این نمادهای قدرت بتوانند به نحوی فوق‌بشری وضعیت موجود را به سمت بقا و بهروزی انسان تغییر دهند.

### نتیجه‌گیری

در رهیافت یونگ به اسطوره، دنیای درون روانی انسان از تپاطی ناگسستگی با اسطوره‌های اجتماعی و فرهنگ دارد. به عبارتی، مطالعه درباره اسطوره، تخصصی درباره سازوکار حیات روانی انسان و نوعی مطالعه فرهنگی در خصوص باورهای عمومی و خاستگاه ناپیدای این

به عبارتی، ماندالا نشان‌دهنده وحدت عالم صغیر و عالم کبیر یا یگانگی و هماهنگی ذهن (نفس، دنیای درون) و عین (دنیای برون) است. به اعتقاد یونگ، از هم‌گسختگی زندگی در دنیای مدرن، نیاز جمعی و ناخودآگاهانه انسان‌های جامعه معاصر به یکپارچگی را تشدید کرده است. باید توجه داشت که مشاهده بشقاب پرنده از اواخر دهه ۱۹۴۰ گزارش گردید و به ویژه در دهه ۱۹۵۰ بیشتر شد و این دقیقاً زمانی بود که چند سالی پس از پایان جنگ جهانی دوم، با شروع جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی شرق و غرب، سایه شوم جنگی به مراتب ویرانگرتر از جنگ‌های جهانی قبلی بر آذهنان مردم در غرب سنگینی می‌کرد. به سخن دیگر، بشقاب پرنده از هنگامی وارد فرهنگ عمومی مردم شد که جهان در انتقافی بزرگ به دو اردوگاه کشورهای سرمایه‌داری در غرب و کشورهای کمونیستی در شرق تقسیم شده بود. تنش‌های سیاسی ناشی از رقابت دو ابرقدرت برای گسب توانمندی‌های بیشتر در عرصه سلاح‌های هسته‌ای، موجب تقویت احساس ناپیمنی جمعی گردیده و نیاز انسان به نیرویی رستگاری‌بخش که بتواند خطر تجزیه و

باورها تلقی می‌شود. بررسی موشکافانه یونگ درباره نحوه شکل‌گیری گفتمان بشقاب پرنده به عنوان اسطوره‌های مدرن به خوبی نشان داد که اسطوره به‌ویژه از این حیث تأثیری مثبت در آلمان آحاد جامعه باقی می‌گذارد که همچون رویا و خیال‌پردازی تعادل روانی را امکان‌پذیرتر می‌سازد. با استفاده از اصطلاحی که یونگ از آدلر به عاریت گرفته بود، می‌توان گفت اسطوره حکم «جبران مافات» در فرهنگ را دارد. جبران مافات سازوکاری است برای برقراری پیوند بین ضمیر آگاه و ضمیر ناخودآگاه، سازوکاری که به دستگاه روان امکان می‌دهد خود را متوازن کند و تحت قاعده درآورد. مطالعه اسطوره‌شناسانه یونگ درباره پدیده بشقاب پرنده به منزله جبران مافات فرهنگ زندگی تشریح‌آمیز در عصر تسلیحات هسته‌ای، همچنین از این حیث درخور تأمل است که کاربردپذیری مفاهیم و روش‌شناسی دلتا فرد مبنای روانشناسی به منظور فهم پدیده‌های عمومی در فرهنگ به‌یاد بیان دیگر، تلفیق‌پذیری اسطوره‌شناسی و مطالعات فرهنگی را به نحوی متقاعدکننده نشان

می‌دهد.

### منابع

- عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی، گروه زبان انگلیسی.
- مومن، محمد. فرهنگ فارسی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- Jung, C. G. Dictionary of Analytical Psychology. London: Ark paperbacks, 1987.
- Dreams. Trans. R. F. C. Hull. London: Ark paperbacks, 1993.
- Flying Sources: A Modern Myth of Things Seen in the Sky. Trans. R. F. C. Hull. Princeton UP, 1958.
- Nietzsche's Zarathustra: Notes of the Seminar Given in 1934-1939, ed. James L. Jarrett. Princeton, N. J.: Princeton UP, 1988.
- Walker, Steven F. Jung and the Jungians on Myth: An Introduction. New York: Routledge, 2002.